

اساسنامه جبهه متحد ضد امپریالیسم و ارتجاع - افغانستان

فصل اول

بند ۱ - اسم و تعریف

اسم: اسم کامل این نهاد ، جبهه متحد ضد امپریالیسم و ارتجاع - افغانستان می باشد که در متن این اساسنامه به اختصار « جبهه ... » خوانده میشود

تعریف : « جبهه ... » يك نهاد دموكراتيك انقلابي همه افراد و نیروهای انقلابي ، مترقي و آزاديخواهي میباشد که به اساسنامه و پلتفرم سياسي آن متعهد بوده و جهت دسترسي به اهداف آن مشرکا فعالیت و مبارزه ضد امپریالیستي و ضد ارتجاعی می نمایند.

« جبهه ... » نه حزب و نه بکدام حزب سياسي وابسته میباشد. آزادي اندیشه و بیان يکي از اصول بنيادين دموكراتيك « جبهه ... » را تشکیل میدهد.

« جبهه ... » از اصل رهبري جمعي و مسؤولیت فردي پيروي مینماید.

فصل دوم

بند ۲ - اهداف و وظایف

الف : جلب و جذب همه افراد آزاده و غیر وابسته به امپریالیسم و ارتجاع و سازماندهي شان براي يك مبارزه متشکل ، فعال و قاطع در راستاي نیل به آزادي و استقلال کشور از زیر سلطه امپریالیسم و ارتجاع

ب : « جبهه ... » خواهان برقراري يك دولت مستقل ، دموكراتيك و سکولار در افغانستان میباشد که ممثل راستین اراده آزاد مردم باشد؛ احترام عملي و صیانت کلیه حقوق و آزادي هاي دموكراتيك (فردي و جمعي) مندرج در قانون اساسي براي همه اتباع کشور بطور مساوي ، يکي از اساسي ترین وظایف این دولت میباشد

ج : مبارزه در جهت تأمین و تحکیم وحدت داوطلبانه ملي همه اقوام و ملیت هاي ساکن کشور بر مبناي تساوي حقوق ؛ افشا و طرد هرگونه گرایشات تفوق جویانه نژادي ، قومي ، ملي ، مذهبي و زباني . اصل رهنما در این راستا ، همانا اعتقاد به « حق ملل در تعیین سرنوشت خویش » میباشد

د : مطالبه پیگیری جهت محاکمه تمامی خائنین ملي و جنایتکار (خلقي ، پرچمي ، جهادي ، طالبی و تشکیل دهندگان دولت دست نشانده فعلي

دولت کرزي -) در دادگاه عادلانه مردم بمتابه يك ضرورت انصراف ناپذیر تأمین صلح ، ثبات و استقرار اجتماعي سياسي در کشور.

ذ : مبارزه قاطع علیه هر نوع سازشکاري ، معامله گري و توطئه بر دستاورد ها و ثمرات خون و پیکار جانگداز شهدي راه آزادي و انقلاب کشور.

ر : طرح و پیگیری مسأله جبران خسارات وارده بر کشور و مردم افغانستان در طی بیش از دو دهه دست درازي و مداخله خارجي؛ عاملین مستقیم ویرانی کشور در طی اینمدت - در سطح خارجي- قبل از همه عبارتند از : اتحاد شوروي سابق و اینک وارث آن فدراسیون روسیه ، اضلاع متحده امریکا ، اتحادیه اروپا ، پاکستان ، ایران ، عربستان سعودي و امارات متحده عربي.

ز : رهایی زنان از ستم جنسي ، ملي ، طبقاتي و تمامی قيود ذلتبار اجتماعي ، يکي از اساسي ترین خواسته هاي سرنوشت ساز در اوضاع جاري و مرحله تکاملي جامعه است؛ مبارزه در این راستا بر پایه تأمین تساوي حقوق میان زن و مرد در تمامی شئون زندگي - اقتصادي ، سياسي ، اجتماعي و فرهنگي - يکي از وظایف اساسي « جبهه ... » میباشد

س : بذل مساعي براي ایجاد فضاي مساعدی از تفاهم و همکاری و وارد شدن در اتحاد عمل هاي مبارزاتي با سایر افراد جريانات و نیروهاي دموكراتيك ، آزاديخواه و انقلابي در سطح ملي ، منطقه و جهان ، بر مبناي پلتفرم و اساسنامه « جبهه ... ».

ش : برگزاری و سهمگیری در اکسیون هاي مؤثر و مشترک سياسي ، فرهنگي با جهتگیری ترقیخواهانه و ضد رجعتگرایی.

ص : دایر نمودن سمینار هاي علمي معلوماتي پیرامون اوضاع سياسي ، اجتماعي ، اقتصادي و فرهنگي افغانستان و جهان در جهت رشد و ارتقاي سطح آگاهی هاي اعضاي « جبهه ... » و سایر علاقمندان.

ض: دفاع از حقوق زندانیان سیاسی آزادیخواه، دموکراتیک و انقلابی.
ط: دفاع از حقوق پناهندگان سیاسی و خواسته های برحق شان به استثنای جنایتکاران «خلفی»، پرچمی، جهادی، طالبی و همکیشان شان.
ظ: دفاع از مبارزات ضد راسیستی در سراسر جهان.
ع: سازماندهی و نشر «قطب نما» بمثابه ارگان مرکزی «جبهه...» برای تبلیغ و ترویج نظرات و مواضع سیاسی «جبهه...» و سایر جریانات انقلابی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی.

فصل سوم

بند ۳ - عضویت در "جبهه..."

الف: هر فرد غیر وابسته به امپریالیسم و ارتجاع در صورتیکه پلتفرم و اساسنامه «جبهه...» را قبول و در جهت تحقق اهداف آن فعالانه مبارزه نماید، میتواند عضو «جبهه...» گردد.
ب: وطنفروشان و جمله خائنین به میهن مانند افراد «خلفی»، پرچمی، جهادی و طالبی و دیگر نوکران و وابستگان امپریالیسم نمیتوانند عضویت «جبهه...» را حاصل نمایند.
ج: عضویت در «جبهه...» به تقاضای تحریری صورت گرفته و با تضمین دو تن از اعضای «جبهه...» و گذرانیدن يك دوره آزمایشی سه ماهه با تأیید هیأت مسؤلان عملی میگردد.
د: هر فرد عضو مکلف است که ماهانه مبلغ 5 یورو را بعنوان حق عضویت به کمیته مالی بحساب «جبهه...» تأدیه نماید.
ذ: از عضویت در «جبهه...» هیچگونه تمتع مالی متصور نمیشد.
ر: هر فرد وطنپرستی که پلتفرم و اساسنامه «جبهه...» را قبول، ولی برای پیشبرد امور و وظایف عملی آن فعالانه سهم نگرفته و حق عضویت نپردازد، عضو نبوده اما میتواند هوادار «جبهه...» محسوب گردد و بنابراین حق رأی و کاندید شدن را ندارد.

فصل چهارم

بند ۴ - حقوق و وظایف اعضا

حقوق اعضا

الف: تساوی حقوق میان اعضا - چه زن و چه مرد - يك اصل مهم و دموکراتیک در «جبهه...» است؛ داشتن يك فکر، جنس، ملیت، نژاد، زبان و مذهب هیچگاه نمیتواند عامل تبعیض و امتیاز گردد.
ب: هر عضو حق دارد نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را پیرامون مسایل مطروحه، آزادانه بیان و هیچگونه محدودیتی در زمینه نمیتواند وجود داشته باشد. پیروی از يك نظر و پیشنهاد مشخص مستلزم تأیید اکثریت است.
ج: مخدوش گردیدن حقوق اعضا به هر نحویکه باشد، ناقض اساسنامه «جبهه...» است. اعتراض و رسیدگی به این امر از طریق مراتب تشکیلاتی، حق بدهی و مسلم هر عضو میباشد.
د: هر عضو حق دارد از «جبهه...» کناره گیری نماید؛ پذیرش عضویت مجددش به ارائه دلایل قانع کننده توسط عضو سابق و تطبیق نکته 3 بند 4 فصل سوم بستگی دارد.
ذ: هر عضو در صورتیکه از عضویت وی سه ماه سپری گردیده باشد، حق رأی و کاندیدی در ارگانهای تشکیلاتی «جبهه...» را دارا میباشد.
ر: اعضای «جبهه...» میتوانند از يك یا چند عضو هیأت مسؤلان عملاً سلب اعتماد نمایند؛ برای رسیدگی به این امر و اتخاذ تصمیم، کنگره فوق العاده فراخوانده میشود.
ز: اعضای «جبهه...» حق ندارند در سازمان هاییکه فعالیت شان با روح و مضمون پلتفرم و اساسنامه «جبهه...» منافات دارد عضویت داشته و یا همکاری نمایند.

وظایف اعضا

الف: هر عضو وظیفه دارد از مواضع سیاسی و سازمانی «جبهه...» در همه جا دفاع نماید.
ب: پیروی از تصامیم و خواست اکثریت در «جبهه...»، وظیفه هر عضو میباشد.
ج: برعهده هر عضو است که وظایف محوله خود را بوجه احسن ایفا و گزارش آنرا به «جبهه...» ارائه نماید.
د: حفظ روحیه تعاون و همکاری در انجام امور، احترام متقابل در میان اعضا و دوری گزیدن از هرگونه اهانت شخصی و اتهام بیمورد، يك اصل خدشه ناپذیر در «جبهه...» میباشد.
ذ: خودمركزی و کم بها دادن به کار دیگران هرچند «کوچک» هم باشد، ناقض پرنسیپ تشکیلاتی «جبهه...» بوده و مردود است.

فصل پنجم

بند ۵ - اخراج اعضا

الف : اخراج اعضا از « جبهه... » بنابر پیشنهاد هیأت مسؤلان توأم با ارائه دلایل قناعت بخش ، با رأی اکثریت دو ثلث اعضاي حاضر در کنگره ، عملي ميگردد.
ب : مخالفت با پلتفرم و اساسنامه « جبهه... » ، منجر به اخراج اعضا ميگردد.

فصل ششم

بند ۶ - تشکيلات

ارگانهاي تشکيلاتي « جبهه... » مرکب اند از جلسات عادي ، کنگره عادي ، کنگره فوق العاده و هیأت مسؤلان

۱- جلسات عادي سراسري:
الف : در شهرها و نواحی ايکه اعضاي « جبهه... » از سه عضو و يا بيشتري در نزديکی هم اقامت دارند ، جلسات عادي در همچو واحدي - البته متناسب با شرايط آن واحد - بصورت مرتب انعقاد مييابند.
ب : انعقاد رسمي جلسات سراسري که هیأت مسؤلان فرا ميخوانند ، با نصاب اکثریت (دو ثلث) اعضاي « جبهه... » صورت ميپذيرد.
ج : تصاميم و مصوبات هر جلسه براي پيشبرد وظيف عملي « جبهه... » اعتبار رسمي داشته و مرعي الاجرا ميباشند.
۲- کنگره عادي:
الف : کنگره عادي عاليترين مرجع باصلاحيت « جبهه... » است که در آن تصاميم اساسي اتخاذ و سال يکبار دابر ميگردد.
ب : انعقاد رسمي کنگره عادي با موجوديت دو ثلث اعضاي « جبهه... » عملي (۱) ، تصاميم و مصوبات آن با رأی اکثریت اعضاي حاضر در کنگره ، شکل قانوني بخود ميگيرد.
ج : کنگره عادي براي پيشبرد امور « جبهه... » ، شش نفر از اعضاي حاضر در کنگره را با رأی اکثریت ساده 51% ، براي مدت يکسال بحیث هیأت مسؤلان و اعضاي عل البدل انتخاب مينمايد.
د : هیأت مسؤلان پس از قرائت گزارش تحريري کار يکساله خود به کنگره ، خود بخود از وظيفه خویش سبکدوش ميگردند؛ ولي حق کانديداي مجدد را دارند.
ذ : تصويب ، تغيير و تعديل پلتفرم و اساسنامه ، تعيين هیأت مسؤلان و طرح پلان کار يکساله ، از صلاحيت کنگره عادي ميباشد.
ر : تصويب ، تغيير و تعديل پلتفرم و اساسنامه با رأی 75% اعضاي حاضر در کنگره عادي و يا اکثریت 75% نمايندگان به آن ، صورت مي پذيرد. (۲)
۳- کنگره فوق العاده:
الف : کنگره فوق العاده در موارد مشخصي مثل پيشنهادهای سلب اعتماد از هیأت مسؤلان ، عدم انتخاب هیأت مسؤلان در کنگره عادي ، رسيدگی به مشکلات و مسايل فوري و ناگهاني بخواست 50% اعضاي « جبهه... » و يا پيشنهادهای دو عضو هیأت مسؤلان و يا بنا به تصميم کنگره عادي ، بطور رسمي دعوت و با حضور دو ثلث اعضاي « جبهه... » و يا نمايندگان (۳) انعقاد مييابد.
ب : در صورتیکه هدف انعقاد کنگره فوق العاده ، سلب اعتماد از چند عضو هیأت مسؤلان باشد ، رأی مساعد دو ثلث اعضاي « جبهه... » لازم است.
ج : سلب اعتماد از يك يا هر سه عضو هیأت مسؤلان قبل از به سررسيدن دوره انتخابي شان.
۴ - هیأت مسؤلان:
الف : هیأت مسؤلان رسما مسؤل پيشبرد امور « جبهه... » بوده و وظيف شان در سه بخش جداگانه و مستقل مشخص ميگردد؛
البته با در نظر داشت پرنسپ اساسي « جبهه... » مبني بر کار دسته جمعي ، آنها از اجراءات خویش در قبال کنگره مسوليت فردي و مشترک دارند.
۱ - مسؤل امور تشکيلاتي و مالي
۲ - مسؤل امور فرهنگي و نشراتي
۳ - مسؤل امور ملي و بين المللي
ب : هیأت مسؤلان ميتوانند در همه جا بطور رسمي از « جبهه... » نمايندگی نمايند.

فصل هفتم

بند ۷ - انحلال در "جبهه..."

الف : با پایان یافتن علل وجودی «جبهه...» - آنچنانکه در پلتفرم و اساسنامه آن قید گردیده است - انحلال «جبهه...» نیز اعلام میگردد.

ب : انحلال «جبهه...» بموجب مفاد نکته 1 بند هشتم فصل هفتم و یا بدلائل خارج از آن با رأی اکثریت 75% اعضای حاضر یا نمایندگان در کنگره ، شکل رسمی بخود میگیرد.

فصل هشتم

بند ۸ - اموال «جبهه...» پس از انحلال

الف : پس از انحلال ، اموال ، دارایی و اسناد «جبهه...» در خدمت مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ، در دسترس جریان انقلابی ملی و یا انترناسیونالیستی قرار داده میشود.

- (۱) در صورت افزایش چشمگیر اعضای «جبهه...» ، مسئله اعزام نمایندگان به کنگره مطرح و برای تکمیل نصاب و انعقاد رسمی کنگره ، بجای دو ثلث اعضا ، اکثریت آرای نمایندگان اعزامی مدنظر گرفته میشود.
- (۲) در صورتیکه نظام اعزام نماینده ، با نظر داشت یادداشت نکته 2 کنگره عادی ، نافذ باشد
- (۳) به یادداشت نکته 2 کنگره عادی مراجعه شود.